



ژب کومېست کارگرۍ - حکمتیست

۱ مرداد ۱۳۸۹
۲۳ ژوئیه ۲۰۱۰

ثريا شهبایي

افغانستان و عقب نشینی آمریکا

افغانستان جامعه فقیر با مردمی که به سختی شکم گرسنه شان را سیر میکنند، در منجلاب میلیتاریسم و تروریسم جهانی به سرنوشت درنناکی دچار شده است. دول غربی و همان کسانی که دوران جنگ سرد، طالبان را

برسر مردم آن خراب کرده بودند، به بهانه جنگ با طالبان، این کشور را کیسه بوکس قدری نظامی آمریکا و آزمایشگاه انتقام و نسق بگیری ابرقدرت مربوطه برای مهار افسار گسیخته اسلام سیاسی و برای ارباب جهان، کردند. به بهانه جنگ با طالبان مردم غیر نظامی اش را از زمین و هوا به بمب و گلوله بستند.

امروز بر سر این جغرافیای حاشیه ای و "بی صاحب" شده بعد از جنگ سرد، جایی که چون عراق پس از ۱۱ سپتامبر، قرعه "گلون شر" بودن و انهدام و تخریب، بنامش درآمد، فاجعه دیگری در پرواز است.

قریب یک دهه پس از بمباران افغانستان و تخریب و کشتار مردم غیرنظامی، بعد از "رژیم چینج" و جایگزینی طالبان، این باند گنگستر در قدرت، با باند دیگری از گنگسترهای جدید مرکب از رُسای قبایل و اقوام و مذاهب، پس از به ارمغان آوردن بساط "دمکراسی" و "انتخابات"، بعد از امن و آزاد اعلام کردن افغانستان جدید و اخراج و بازپس فرستادن میلیونها فراری صفحه ۲

حزب حکمتیست

جنگ تمام عیار علیه کارگران مشکل

جمهوری اسلامی جنگی تمام عیار علیه اتحاد و تشکل طبقه کارگر، علیه سندیکای کارگران شرکت واحد و هفت تپه اعلام کرده است. هدف این جنگ روشن است، بخش متشکل این طبقه را هدف قرار داده است، هر سرپناهی که کارگران ساخته اند قرار است در این جنگ بر سر کل طبقه کارگر ویران شود.

اطلاعیه سندیکای شرکت واحد به خوبی دامنه این تعرض را نشان میدهد. بر مبنای این اطلاعیه سی نفر از کارگران و فعالین این تشکل که منتها به بهانه های پوچ اخراج شده اند، بعد از تلاش فراوان سرانجام ۲۳ نفر از آنها به کار بازگشتند. اما هنوز هفت نفر از اعضا هیئت منبره و فعالین سندیکا به اسامی علی اکبر پیر هادی، حسن کریمی، ناصر غلامی، منصور حیات غیبی، حسن میرزایی، هادی کبیری و حسین کریمی سبزواری، علیرغم اینکه "هیئت عمومی هیوان عدالت اداری" شکایت رانندگان شرکت واحد در خصوص ناروا بودن اخراج آنها را وارد دانسته است، اجازه بازگشت به

تحریم اقتصادی و پیامدهای آن



گفتگوی رادیو پرتو با
رحمن حسین زاده

رادیو پرتو: دو هفته بعد از اعلام تحریم اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل، این مسئله ابتدا از طرف رژیم جمهوری اسلامی و مقامات مختلفش به عنوان بی اثر و کم اثر دولتی که می تواند در

خالد حاج محمدی

هفت تپه از اخراج تا واردات بی رویه



کارگران نیشکر هفت تپه دوران سختی را در چند سال گذشته پشت سر گذاشتند. اعتراض در نیشکر هفت تپه و جدال دائم و علنی میان کارگران و صاحب کار و دولت یکی از داغترین میدانهای اعتراض طبقه کارگر ایران بوده است. از سال ۱۳۸۳ تا کنون نصف کارگران هفت تپه به دلایل مختلف اخراج شده اند. از ۵ هزار کارگر باقیمانده نزدیک به ۴ هزار نفر کارگر فصلی هستند و اخراج و بیکارسازی هر روزه همیشه بالای سر

کارگران جهان متحد شوید!

را که از کلبه های مجتمع هفت تپه است خالی و آنجا را ترک کند.

این تعرض گستاخانه در شرایطی اتفاق می افتد که هنوز منصور اسالو و ابراهیم مندی رئیس و نایب رئیس سندیکای شرکت واحد در زندانند و دسته های چاقوکش و آدم کش را در زندان نیز علیه آنها سازمان داده اند. خانواده آنها و بقیه فعالین و اعضا هیئت منبره سندیکا روزانه تهدید میشوند. ابعاد تعرض جمهوری اسلامی در همدستی با صاحبان سرمایه به این ختم نخواهد شد. در همین مدت دهها تن از فعالین کارگری در شهرهای مختلف احضار، بازداشت، تهدید و تحت تعقیب قرار گرفته اند که از این میان میتوان به اسامی صدیق کریمی، محمد اشرفی، خسرو بوکاتی، فواد کیخسروی، بهنام ابراهیم زاده، مهدی فراخی شاندیز و دهها کارگر زندانی و تحت تعقیب دیگر اشاره کرد.

هدف جمهوری اسلامی روشن و شفاف در هم شکستن هر نوع و هر سطحی از اتحاد کارگران، در هم شکستن تشکل و خراب کردن سرپناهیهای ایجاد شده بر سرشان است. وقیحانه و در کمال بی شرمی کارگران هفت تپه را اخراج کرده اند، نان شب آنها را قطع کرده و همکاران آنها را به جرم تقسیم کردن

صفحه ۲

از تبلیغات اولیه امثال احمدی نژاد و دولت واضح است تحریمهای اقتصادی حتی به نحوی هم که اوایل مطرح شد که عمدتا به نهاد ها و امکانات سازمانهای نظامی رژیم محدود است، معلوم بود تاثیر می گذارد به هر حال همین الان شما اشاره کردید و این تاثیرات مشهود است. تحریمهای اقتصادی فشارها و محدودیتهای حتی بر همان نهادها و دم و دستگاه های دولتی، بر بانکها، حتی بر نفت و کلی امکانات دیگر اقتصادی که در آن جامعه خیلی در هم تنیده باهم صفحه ۴

مقابل این تحریمها مقابله کند شناسانده میشود. الان به سرعت این صحنه عوض شده است در دو هفته اخیر یکی بعد از دیگری مقامات و مراجع مختلف رژیم صحبت از دامنه تاثیرات و گسترده بودن تاثیرات تحریمها می کنند. شما دامنه تاثیرات تحریمها را چگونه می

بینید و کلا رژیم جمهوری اسلامی چه برنامه ای برای این تحریمها دارد و عواقب آن چیست؟

رحمن حسین زاده : ببینید صرف نظر

کارگران قرار گرفته و اهرمی در دست صاحب شرکت و دولت علیه آنها بوده است.

دامنه جدالها در این توره و خصوصا از زمانی که کارگران هفت تپه سندیکای خود را دایر کردند، ابعاد بیشتری به خود گرفت. عدم پرداخت دستمزدها، اخراج و بیکارسازی، ممنعت از تشکل کارگران، دستگیری و زندان و تهدید مدام نمایندگان کارگران از جمله مسائلی است که منشا جدال و کشمکش کارگران هفت تپه و صاحب کار بوده است.

در این چند سال بارها نمایندگان کارگران به جرم اعتراض به بی حقوقی از جانب نیروهای امنیتی بازداشت و زندان شده اند. در همین اواخر و بعد از دستگیری علی نجاتی، رضا رخشان، قربان علی

اعلامیه کمیته کردستان حزب
حکمتیست

همه کارگران کولر سازی
مربوان اخراج شدند

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنگ تمام عیار علیہ ...

در ہم شکستن هر نوع تشکل کارگری، زندان کردن و زنجیر کردن هر فعال کارگری و هر کمونیسٹ طبقه کارگر، قدمی در راه زنجیر کردن کل این طبقه و تحمیل بردگی و نابرابری مطلق به اسلامی اتحاد کارگران و تشکل آنها آن، برای تامین سود بیشتر صاحبان است. به همین دلیل است که کارگران متشکل در سندیکای شرکت واحد و هفت تپه چنین بی رحمانه مورد تعرضند.

این تعرض ادامه تعرض افسار گسیخته و با برنامه سه ساله گنشته جمهوری اسلامی به صف آزادیخواهی، به صف کمونیسٹها و برابری طلبان در این جامعه است. این تعرض ادامه سه سال کار پلیسی علیہ تحزب کمونیسٹی و تشکل و اتحاد کمونیسٹهای طبقه کارگر، علیہ اتحاد طبقاتی کارگران و با هدف در هم کوبیدن امید به رهائی، در هم کوبیدن تلاش برای اتحاد و تلاش برای بهبودی در زندگی نسلی است که همین امروز جمهوری اسلامی را و نیمیخواهد، بردگی مزدی و دوندگی برای نان شب را در شان خود نمی داند. نسلی که امیدوار است و تلاش میکند که بهبودی ایجاد کند، تلاش میکند و توقع دارد که سهمی بیشتر از آنچه خود ساخته است نصیبش شود.

سندیکای واحد و هفت تپه برای کارگران این دو مرکز سنگری در مقابل تعرض سرمایه داران و دولت حامی آنها برای دفاع از زندگی و نان شب و تامین امکان مدرسه رفتن و دارو و لباس بچه هایشان است. اینها سنگرهای طبقه کارگر ایران است که با تلاش چندین سال و در دل جنگی نابرابر بنا شده اند. وجود این سنگرها امیدی را میان بخشی از طبقه ما ایجاد کرده است که میتوان در مقابل بردگی و کار شاق و لگد مال کردن هر روزه و تحقیر و اخراج و توهین مقاومت را سازمان داد. جمهوری اسلامی با همه دستگاه سرکوب و مذبذبی فاسد بورژوازی خود، با همه احزاب و جریانات و جنبشهای ارتجاعی آنها، چشم بدین این سنگرها را ندارند و نمیخواهند سر پا باشند. تجربه کرده اند که کارگر متحد قدرتی را ایجاد میکند، که در مقابل بردگی و بیرحمی و فصولات آنها جهت تامین سود و ثروت بیشتر به قیمت فقر و گرسنگی طبقه کارگر، توان مقابله و ایستادگی ایجاد خواهد کرد. به همین دلیل باید در هم کوبیده شوند. میدانند تشکل و اتحاد صفوف این طبقه نشانه خودآگاهی آن و ایجاد امکان اتحاد و دوستی و بالا بردن این خودآگاهی و درک اهمیت اتحاد این طبقه، درک اهمیت تشکل و تحزب آن و درک اهمیت انقلاب کارگری را بالا خواهد برد. در هم شکستن این صف،

افغانستان و عقب نشینی ...

اگر کمک غذایی به نیازمندان افغان نرسد، بیش از شش میلیون نفر در این کشور با خطر جدی گرسنگی رو به رو خواهند شد. و "ما هم اگر به جای همین معلوم شد که طبق ادعای نیروهای آمریکایی طالبان نه تنها تضعیف نشده است که تقویت شده است! و امروز امکان مذاکره با طالبان روی میز وزارت خارجه آمریکا است!

میگویند که امروز دیگر توره سپردن قدرت به "خود ملت افغانستان" است! در این راستا با دشمن تسلیم نشده، یعنی طالبان، میتوان مذاکره کرد، آنها را در آینده حکومت افغانستان شریک کرد، مردم افغانستان را در چنگال طالبان و انواع گنگسترهای دیگر قومی و قبیله ای و مذهبی، و نول ارتجاعی همسایه چون ایران و پاکستان، باز به حال خود رها کرد!

مردم افغانستان و "آزمون تاریخی"

این فرشتگان دموکراسی و آزادی سازی به شیوه افغانستان و عراق، رسالت خود را به سرانجام رسانده اند! امروز این وظیفه مردم افغانستان است که وظیفه تاریخی خود را انجام دهند، و نشان دهند که در مقابل بمبارانها و جایگزینی طالبان با گنگسترهای جدید، شایسته آن چند صد سرباز آمریکایی و بریتانیایی که به خاطر "آنها" جان خود را فدا کرده اند، هستند. دیگر نوبت مردم افغانستان است که نشان دهند که آیا لیاقت آن میلیاردها دلاری که بنام آنها خرج نگاهداری نیروهای نظامی و غرب شد، و بخشی از آن هم توسط حکومت جدید به جای تامین دارو و غذای مردم به تاراج رفت، را دارند یا ندارند!

در پس منجلاهی از دروغ و ریا مهوع، چهره هولناک فاجعه دیگری در افغانستان خود را نشان میدهد. از خود سپتامبر- بخش چهارم: پس از حکام امروزشان بشنوید. معاون رئیس جمهوری افغانستان هشدار میدهد که:

در این رابطه به مطلب منصور حکمت چهره هولناک فاجعه دیگری در افغانستان خود را نشان میدهد. از خود سپتامبر- بخش چهارم: پس از حکام امروزشان بشنوید. معاون رئیس جمهوری افغانستان هشدار میدهد که:

برنامه های رادیو پرتو

www.radiopartow.com

جمعه: اول مرداد برابر با ۲۳ ژوئیه

سنگ تمام سبعت جمهوری اسلامی در حمله به طبقه کارگر: گفتگو با خالد حاج محمدی

جنبش سبز و هواخواهی از خواستهای اعتراضی مردم: گفتگو با محمد قتالی

کارقراردادی، کابوس پایان ناپذیر طبقه کارگر در ایران: گفتگو با اسد گلچینی

مبارزه علیہ ستمکشی زن - با کدام پرچم؟ گفتگو با اعظم کم گویان

برنامه آموزشی: بازخوانی کتاب کاپیتال، نوشته کارل مارکس. سخنرانی

منصور حکمت در انجمن مارکس - قسمت هشتم

حزب کمونیسٹ کارگری ایران-

حکمتیست

۳۰ تیر ۱۳۸۹ - ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۰

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

هفت تپه از اخراج تا...

اعتراض به بیکاری و تامین بیمه بیکاری است نه پیدا کردن راهی برای افزایش سود صاحب کار. راه حل اتحاد کل طبقه کارگر علیه بیکاری و دفاع از بیمه بیکاری است. کارگران هفت تپه راهی ندارند جز دفاع از مطالبات انسانی خود که در منشور مطالبات کارگری همراه سایر تشکلهای اعلام کردند.

اما فریبکاری تنها سلاح مقابله بورژوازی با کارگران هفت تپه نبوده و نیست. در کنار دامن زدن به توهم و حمایت از سرمایه "خودی" در میان کارگران، هیئت مدیره هفت تپه اینبار با اتکا به دولت خود، دست به سرکوب و دستگیری و مقابله با سندیهای کارگران هفت تپه زد.

وجود تشکل کارگری به عنوان چیزی که آنها زیرش جمع شده و از حقوق خود دفاع میکنند و درجه ای از اتحاد را حفظ کرده اند، اولین هدف بورژوازی و صاحب کار و دولت به کارگران این بخش بوده است. اتحاد کارگران در این بخش برای دولت و مدیریت شرکت مانع ایجاد کرده است، امکانی برای مقابله علیه سیاستهای ضدکارگری شرکت بوجود آورده است، دست کارگران را در دست هم، و سایر بخشهای کارگری از جمله شرکت واحد، گذاشته است و همین مسئله،

سدی در مقابل صاحب کار در تعرض به معیشت کارگران و تحمیل بی حقوقی بیشتر شده است. حساسیت هیئت مدیره هفت تپه به سندیهای کارگران و زندان و اخراج فعالین این تشکل، دقیقاً ناشی از این مسئله است.

امروز یکی از مهمترین مسائل برای طبقه کارگر ایران عموماً و برای کارگران مرکزی چون هفت تپه و شرکت واحد و... دفاع از نمایندگان خود است که همیشه در معرض بورژوازی نیروهای امنیتی و صاحبان سرمایه بوده اند. دستگیری و زندانی کردن و بنیال اخراج از کار نمایندگان کارگران هفت تپه، بخش مهمی از تعرض صاحبان سرمایه و دولت آنها برای به زانو در آوردن طبقه کارگر و تحمیل شرایط کار برده واری است که از کاتال آن سود حاصله خود از استثمار کارگران را بالا میبرند. اتحاد کارگران در هفت تپه و شرکت واحد مانعی در این راه است و دشمنی بورژوازی، دولت، خاتمه کارگر و همه نوکران ریز و درشت سرمایه با تشکل کارگران، از این سر است. فعالین کارگری در این مراکز نماینده این اتحاند و دفاع از آنها چون دفاع از مردمک چشم برای طبقه کارگر ضروری است.

اعلامیه کمیته کردستان حزب

حکمتیست

همه کارگران کولر سازی

مربوآن اخراج شدند

* بیمه بیکاری حق مسلم کارگران
اخراجی کولر سازی است

بنا به اخبار رسیده به دنبال آتش سوزی در قسمت رنگسازی کارخانه کولر سازی مریوان، این مرکز کارگری فعلاً از کار افتاده است. به دنبال این واقعه همه کارگران این مرکز که هفتاد نفر هستند بدون هیچ تضمین و تامین معیشتی به صف وسیع بیکاران پیوستند. اینجا هم مثل بسیاری از مراکز کارگری در سراسر ایران در چشم به هم زنی زندگی این کارگران و خانواده های کارگری به خاک سیاه نشاندند.

نه از بیمه بیکاری خبری هست و نه از قول مجدد بازگشت بر سرکار آنها به دنبال راه اندازی مجدد کارخانه در همین واقعه هم تاوان از کار افتادن موقت کارخانه بر زندگی کارگران تحمیل شده و نه بر ثروت و سامان و ادامه سوداندوزی سرمایه داران. چون از همان لحظه بعد از آتش سوزی صاحبان کارخانه "قلونا و رسما" به دنبال اخذ خسارات میلیونی کارخانه از اداره بیمه هستند. اما زندگی و تامین معیشت کارگران و خانواده های کارگری قلونا و رسما و از جانب سیستم و دولت ضدکارگری تضمین نیست. این ماهیت ضد کارگری و ضد انسانی و وارونه نظم گنبد سرمایه است.

کارگران کولر سازی مریوان

این دروغ و ادعای کذب را نپذیرید که گویا ساحه آتش سوزی و از کار افتادن کارخانه زندگی شما را به آتش کشیده است. نه، آنچه امروز زندگی شما را به خاک سیاه نشاند است. سود اندوزی و طمع سرمایه دارو حمایت دولت و قانون از آنها است. با کمی دقت متوجه میشوید که خاصیت چند سال کار بدون رسمیت یافتن استخدام و بیمه نشدن و بی تامینی، حتی ناظر نشدن موازین همان قانون کار ضد کارگری موجود بر شرایط کار شما و عدم تضمین به پرداخت بیمه بیکاری در فردای اخراج و بیکار شدن، خاصیتش برای سرما به دار ضد کارگر و ضد انسان، همین است که امروز بدون کوچکترین تامینی شما را روانه بازار بیکاران کرده اند. اما خودشان با گرفتن خسارات در ارقام میلیونی نه تنها کارخانه را مجدداً راه اندازی میکنند، بلکه سود همان مدت موقت از کار افتادن را هم به جیب

میزنند.

کارگران کولر سازی!

در مقابل اخراج و بیکاری دسته جمعی تان راهش دست به زانو گرفتن فردی و پراکنده شدن نیست. تنها راه موثر پیش رو در دفاع از معیشت و زندگی تان، در قدم اول جمع شدن و اتحاد مبارزاتی خود شما و خانواده هایتان است. ابتکار اتحاد و مبارزه برای احقاق حق خود را دست بگیرد. با دو مطالبه: ۱- تامین فوری بیمه بیکاری ۲- تضمین بازگشت مجدد به کار بعد از راه اندازی مجدد کارخانه، صفوف خود را متحد و متشکل کنید. همه مراکز کارگری مریوان و مردم مبارز این شهر و تشکلهای موجود کارگری و مراکز کارگری سراسر ایران و کردستان را به حمایت از مبارزه خود فراخوان دهید. تجربه تاکتونی نشان میدهد، راه اندازی چنین مبارزه برحقی با حمایت کارگران و تشکلهای و نهادهای کارگری و مدافع حقوق کارگر در داخل و خارج کشور روبرو میشود.

کمیته کردستان حزب حکمتیست و شخصیتها و فعالین کمونیست آشنای شما در تلاش و مبارزه شما برای احقاق حقوقتان در کنار شما هستیم و از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم کرد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست

اول مرداد ۱۳۸۸ - بیست و سوم ژوئیه ۲۰۱۰

مبارزه طبقاتی:

پرولتاریا و بورژوازی

کمونیسم کارگری اما فرقه مصلحین خیالپرداز و قهرمانان مشتاق نجات بشریت نیست. جامعه کمونیستی الگو و نسخه ای ساخته و پرداخته ذهن خردمندانی خیراندیش نیست. کمونیسم کارگری جنبشی است که از بطن خود جامعه سرمایه داری معاصر برمیخیزد و افق و آرمانها و اعتراض بخش عظیمی از همین جامعه را منعکس میکند.

تاریخ کلیه جوامع تاکنونی تاریخ مبارزه و کشمکش طبقاتی است. جدالی بی وقفه، گاه آشکار و گاه پنهان، میان طبقات استثمارگر و استثمار شونده، ستمگر و تحت ستم در ادوار و جوامع مختلف در جریان بوده است. این جدال طبقاتی است که منشأ اصلی تحول و تغییر در جامعه است.

از برنامه حزب کمونیست کارگری

ایران حکمتیست

مرگ بر جمهوری اسلامی!

تحریم اقتصادی و ...

بیشتر تبلیغات است در کشمکش که با دولت احمدی نژاد و با خود احمدی نژاد دارد. به نظرم عوامفریبی می کند و مردم نباید وقعی بگذارند، اما یک مسئله هست تحریم اقتصادی که الان غرب پیش کشیده خود جنبش سبز و سران جنبش سبز در چهار چوب استراتژی و سیاستی که دارند به آن برخورد میکنند. اینها خودشان آن جناح از بورژوازی ایران هستند و آن جناح جمهوری اسلامی هستند که در پی نزدیکی بیشتر با کشورهای غربی و آمریکا و اروپا هستند. در نتیجه اگرچه تحریم اقتصادی را قبول ندارند، اما دارند با "مقصر اعلام کردن طرف مقابل" نتیجه و مصائب این سیاست ضد انسانی و ضد مردمی آمریکا و کشورهای غربی را از نوش این کشورها سبک میکنند. در کشمکش که با جناح مقابل دارند عمدتاً تصویر را به گردن آن می اندازند. در صورتیکه روشن است از زاویه زندگی کارگر و مردم کشورهای غربی هیچ توجیهی برای این سیاست ضد انسانی و ضد کارگیشان ندارند. اینها هر وقت دوست داشته باشند و بر طبق مصلحتشان از احمدی نژاد گرفته تا موسوی حاضرند با آنها بسازند و مسئله شان هم مردم نیست و تحریم اقتصادی مستقیماً علیه مردم است. در نتیجه من فکر میکنم جنبش سبز هم در این وسط دارد یک چراغ سبزی به غرب و آمریکا می دهد و به طور واقعی متمایلتر به غربند و میخواهند در چهار چوب استراتژی خودشان این مسئله را توجیه کنند.

هستند، معلوم است بر جامعه تاثیر میگذارد. تبلیغات اولیه احمدی نژاد که گویا "تاثیر زیادی ندارد" بیشتر پروپاگاند بود، بیشتر تبلیغاتی بود در بطن آن کشمکشهایی که هست. ولی صرف نظر از جنبه پروپاگاند آن جمهوری اسلامی و دولت به نظر من با دو مسئله رو برو است. یکی اینکه به طور واقعی تحت فشار تحریمها هستند. و دوم اینکه هدفمند فشار تحریمها را بر زندگی مردم سرشکن میکنند. در نتیجه ما از همان اوایل و همیشه گفتیم تحریم اقتصادی علیرغم ادعای آمریکا و کشورهای غربی که گویا "فقط بر ارگانهای دولتی و نظامی تاثیر میگذارد" پوچ است. چون دولتی هست و هدفمند می خواهد از آن علیه مردم استفاده کند. برای تحمیل فشار بر مردم، از جمله فشار اقتصادی، فشار معیشتی، فشار سیاسی و حتی از این زاویه مردم را به بهانه "تحریم و فشار خارجی" پشت سر سیاستهای ضد انسانی، ضد کارگری خودش بسیج میکند. در نتیجه خیلی روشن است که این تحریمها دارد فشار می گذارد علاوه بر آن دولت این فشار را چند برابر بر زندگی و معیشت مردم و به ویژه بر طبقه کارگر ایران تحمیل میکند.

رادیو پرتو: تا آنجایی که به کشمکشهای درون جمهوری اسلامی مربوط می شود جناحهایی از آن سر بلند کردند مشخصاً موسوی و جناح سبز مسئله تحریمها را دستاویزی برای مقابله با جناح مقابل تبدیل کرده از جمله گفته اند "این تحریمها به دلیل سیاستهای غلط احمدی نژاد است که به این ترتیب دارد به وجود می آید و می شود جلو اینها را گرفت" وسیعی میکند به حال مردم دلسوزی نشان دهد، که گویا "دامنه تحریمها بر مردم زحمتکش فشار آورده" چقدر قائلید به اینکه اینها نگرانی به حال مردم دارند؟

رحمان حسین زاده: ادعای موسوی، کروی و همین جنبش سبز ظاهراً در دفاع از مردم بی پایه است اینها امتحان پس داده هستند. اینها خودشان جزو پیکره جمهوری اسلامی بودند در نوره های قبلتر هم آن زمانی هم که کاره ای بودند در نظام اسلامی همین کشمکشها با غرب وجود داشته و همین تحریمها هم وجود داشته و بود. آنوقت و الان هم مسئله شان مردم نبوده و حتی همان دوران هم کماکان مسئله تحریم اقتصادی از جانب غرب را به عنوان یک غنیمتی نگاه کردند که به عنوان ابزار، به عنوان اهرمی علیه مردم استفاده کردند در نتیجه داعیه موسوی که گویا بر مردم فشار می آورد، اینهم

رحمان حسین زاده: از زاویه کارگر و مردم زحمت کش خیلی بی ابهام و روشن باید این تحریمهای اقتصادی را محکوم کرد و این ادعا ها که کشورهای غربی دارند یا حتی بخش زیادی از اپوزیسیون ایرانی از

ناسیونالیسم ایرانی گرفته تا ملی مذهبی بود و هم ترفندهای خود جمهوری اسلامی را که گویا چیزی در خزانه نیست و امکانات نیست را باید جواب داد. باید بگویم این توجیهات احمدی کارگر و انسان زحمت کش حتی سیاست همین اپوزیسیون را در دفاعشان از تحریم یا امیدشان به تحریم را لازمست محکوم کند. به علاوه طبقه کارگر آگاه جواب روشنی باید به جمهوری اسلامی بدهد. باید گفت تحریم اقتصادی اتفاقاً غنیمتی است که در دامن شما افتاده است. غنیمتی است که شما دارید به عنوان اهرم فشار علیه کارگر و مردم از آن استفاده می کنید. طبقه کارگر ایران و مردم زحمتکش با تحریم نیستند با این سیاست آمریکا و غرب نیستند و وقتی که این موضع درست را داشته باشید، آن وقت خیلی محکمتر می شود توجیهات دولت جمهوری اسلامی را جواب داد.

می توانیم بگویم تحریم را به عنوان اهرمی علیه ما استفاده میکنند. میتوان پرسید با وجود تحریمها پس چگونه است پول و امکانات همه دم دستگاه نظامی واداری ودولتی و فیضیه ها و حوزه ها و بیت رهبری، سرچای خودش است. بودجه شان، امکاناتشان سر جای خودش و به آن معنا زندگی و حیات انگلیشان میچرخد. ولی تا تحریم میشود فوراً بهانه ای است که دستمزد کارگر را بزنید، نان سفره مردم را قطع کنید. فشار بر معیشت طبقه کارگر و مردم کار کن را تشدید کنید. در نتیجه باید گفت این سیاستها قبول نیست و محکوم است و کماکان کارگران و مردم وقتش است که مطالبات اساسی اقتصادی و معیشتی خودشان را بخواهند. از زندگیشان دفاع کنند. افزایش دستمزدها را بخواهند، بیمه بیکاریشان را بخواهند، تامین زندگیشان را بخواهند. رفاهیشان را بخواهند، حق کاری را که انجام می دهند بخواهند، به نظرم زیر فشار شانتاژهای کشورهای غربی و دولت جمهوری اسلامی و اپوزیسیون طرفدارتحریم نباید رفت و به هر حال با یک صف آگاه و روشن و متحد، هم علیه تحریم

با تشکر از رفیق محسن حسینی که این مصاحبه را پیاده و مکتوب کرد.

کنگره چهارم حزب حکمتیست روزهای ۲۵ و ۲۶ سپتامبر بطور علنی برگزار میشود.

اطلاعات دقیق تر در مورد نحوه شرکت در این کنگره در نشریه کنگره شماره یک درج شده است.

برای دسترسی به نشریه کنگره به سایت حزب حکمتیست مراجعه کنید.

برای شرکت در کنگره و ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر، همچنان میتوانید به دبیرخانه حزب و تشکیلاتهای حزب حکمتیست در کشورهای مختلف مراجعه کنید.

www.hekmatist.co

m

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست
سر دبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید
کمونیست را بدست کارگران برسانید
کمونیست را تکثیر و توزیع کنید
به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم